

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Political

سیاسی

اکبر تک دهقان
۱۸ آذر ۱۳۸۸ - ۹ دسامبر ۲۰۰۹

شانزدهم آذر [قوس] ۸۸ و الزامات پیشروی

مبارزات انقلابی فعلی، یک پدیده نهادی گذشته، خصلت سراسری کسب کرده، به تدریج به یک جنبش ملی فرامیروید. این جنبش در صورت غلبه بر دخالت نیروهای ضدانقلابی از داخل و خارج، مداوماً پیشروی خواهد کرد.

جنبش ۱۶ آذر سال ۱۳۸۸ را باید با خط درشت، بر صفحات تاریخ اخیر این کشور ثبت کرد. طی دوران شکست انقلاب بهمن در انتهای سال ۱۳۶۰ تاکنون، یک جنبش توده‌یی، با خواست روشن سرنگونی این رژیم پلید، و چنین دامنه‌ای، وجود نداشته است.

مبارزات دانشجویی و توده‌یی در آذر ماه امسال، به یک سالگرد دولتی و مذهبی مربوط نبوده، ماهیتی مستقل داشت. این اثبات یک حقیقت انکار ناپذیر است: اصلاح طلبان و جریان‌های ارتجاعی در خارج، جزئی از هسته اصلی این جنبش توده‌یی را تشکیل نداده، بلکه به دلیل جنگ قدرت با جناح حاکم، در ائتلافی نانوخته با توده‌های معترض قرار گرفته، به دنبال مردم حرکت کرده، تنها برای کنترل اراده مردم تلاش میکنند.

رژیم اسلامی که در سودای اعمال اختناق هرچه بیشتر در جامعه است، نیت سرکوبگرانه خود را به ویژه در روزهای پیش از ۱۶ آذر، در اشکالی متناقض به نمایش گذاشت. از یک طرف، نزدیک به ۱۰۰ نفر از فعالین دانشجویی در سراسر کشور بازداشت شدند؛ و احکام تعلیق، و احضار دانشجویان به دفاتر تهدید در دانشگاهها، از حد و اندازه رایج آن گذشت؛ از سوی دیگر، فرماندهان سرکوبگران، به انواع حيله‌ها، برای جلوگیری از تجمعات دانشجویی و توده‌یی، توسل جستند. برخی از سران جانیان خیابانی، اساساً امکان هر گونه تظاهراتی را منکر شده، اعلام کردند: ۱۶ آذر روز دانشجویان است، و خبری هم نخواهد شد! بعضی دیگر از دادن گل به دانشجویان صحبت کردند. واقع بین‌ترین آنها، نسبت به انجام هر گونه تظاهراتی و فریاد هر شعاری علیه رژیم، شدیداً هشدار دادند. توده دانشجویان اما، گوش شنوایی برای شنیدن چنین مهملاتی نداشته، راه خود را رفتند.

در همین حال، تلاش افراطی اصلاح طلبان، عمدتاً عناصر حریص و درجه دوم آنها، به ویژه در طیف " اکثریتی ها"، نهضت آزادی و ملی- اسلامی ها، از هفته ها پیش، بر جلوگیری از رشد عمل انقلابی، تحت پوشش "عدم خشونت"، متمرکز گشته بود؛ بسیاری از عناصر این گروهها، جز همین موضوع، چیز دیگری نمی نویسند و نمیگویند! افرادی در این طیف حتا، در کمال وقاحت، خواهان تشکیل "جبهه جمهوری اسلامی ایران"، شده، علناً از ارتجاعی ترین جناح باندهای حاکم، حمایت کردند. آنها به لحاظ سیاسی چنان نابینا شده اند، که خیل تظاهراتهای توده یی برای به گور سپردن همان "جمهوری اسلامی" لعنتی خود را ندیده، تازه به فراست تحکیم رژیم جانی اسلامی، با بهره گیری از مبارزات مردم، افتاده اند.

تلاشهای دسته جات بالا، فقط به کند شدن سرعت پیشروی جنبش منتهی نخواهد شد، بلکه خلاف تصور، نتایج عکس آن را به دنبال آورده، حتی احتمال بروز قیامهای مسلحانه پراکنده و زودرس را افزایش میدهد. این جریانات که نه درکی از سیاست در معنای عمومی آن، و نه در مفهوم روندهای انقلابی دارند، با توسل به انبوه رسانه های داخلی و خارجی، خیانت بزرگ گذشته خود را، امروز در شکل دیگری تکرار میکنند.

مبارزات توده یی در ایران، قانون خود را دارند و ایران کنونی، هندوستان ۴۰۰ میلیونی و تحت استعمار دهه ۳۰ قرن گذشته نیست. جریانات ارتجاعی در بالا، در هر بحثی پیرامون سوسیالیسم، عدم امکان تحقق آن را از دید خود، با ارجاع به ویژگیهای ملی و مخالفت با انتقال شرایط روسیه قدیم به کشور، توجیه میکنند. اما وقتی بحث از شرایط توسعه مبارزات انقلابی در ایران است، نحوه و شرایط پیشروی آن را به جنبش استقلال طلبانه هندوستان ۸۰ سال قبل و با وجود تفاوتها، بی شمار، پیوند میزنند. این گروهها و افراد، عمداً چشم بر تاریخ سیاسی این جامعه بسته، تصور میکنند، میتوان به طور دلخواهی، روند رشد یک جنبش انقلابی را، از طریق بند و بستهای پشت پرده در خارج و یا مقاله نویسی در اینترنت، رقم زد.

آنچه در برابر چشمان مردم جریان دارد، یک انقلاب است، و انقلاب هم قانون و قانونمندی خاص خود را داشته، مستقل از اراده همگان است. توده مردم ناچارند، دیر یا زود، در این انقلاب شرکت کنند. راه دیگری در پیش پای جامعه وجود ندارد؛ از آنجا که، تناقضاتی که مردم و زندگی اجتماعی آنها را احاطه کرده اند، دیگر به " شیوه معمولی" حل نمیشوند. از این رو، کشور در یک بن بست بی چشم انداز قرار گرفته، فشار تضادها، از همه نوع و از همه گوشه های جامعه، مردم را به در پیش گرفتن راه حل انقلابی، سوق میدهد. اینکه، روشنفکر بدبخت و پوک و هنوز اسیر دوران کورش و داریوش و محمد و علی، چه میکند و چه مینویسد، در پیدایش این تحول کلان اجتماعی نقشی ایفا نمیکند. "موش کور تاریخ" بدون توجه به هر کس و هر چیزی، مداوماً پایه های شرایط حاکم را آرام و خونسرد میجوید و میجوید، و اکثریت مردم، تنها با آوار شدن اوضاع بر سرشان، از منطق زندگی در شرایط انقلابی سر در می آورند.

اگر جامعه به گردونه یک روند انقلابی کشیده شود، که هم اینک وجود دارد، دیگر هیچ قدرتی قادر به توقف آن نیست. خلاف ادعاهای جنایتکارانه سلطنت طلبان در خارج، رژیم پهلوی همه ابزارها و اشکال سرکوب را که در چهارچوب شرایط موجودیت آن، و به منظور ادامه بقاء خود در دسترس داشت، به کار گرفت. سرنگونی آن نه به دلیل "شل گرفتن" و کمتر قتل عام کردن- آنطور که این تحصیل کردگان لیبرال ادعا میکنند- بلکه تنها و تنها، به دلیل ناتوانی آن از مقابله با انقلاب بود و لاغیر! اگر یک رژیم ارتجاعی، هنوز در سطحی، دارای ظرفیتهایی برای بقاء خود باشد، شروع یک انقلاب مشکل، و پیروزی آن هم، بسیار مشکل تر است. ظرفیتهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، که این رژیم جانی قادر شود، به آنها تکیه کند، کدامند؟

اگر نیروی آگاه یعنی دانشجویان - و نه لیبرالهای شاغل در شرکتهای خارجی مقیم ایران-، در فکر، سیاست، سازماندهی و عمل، از موضع انقلابی رفتار نکنند، این سهل گیری و ساده اندیشی، قدرت تخریب انقلاب را کاهش خواهد داد، بلکه قدرت تخریب آن را ویرانگرانه و غیرقابل کنترل خواهد ساخت، چه از طریق یک شورش افسارگسیخته و سراسری، و چه از طریق نقش عامل خارجی؛ کدام بهتر است؟ انقلابی که درک شده، به آن فکر شده، پیشاپیش و قدم به قدم سازماندهی گشته، و به سرانجام برسد؛ و یا آتشی که به ناگهان زبانه کشیده، همه چیز را خاکستر کند؟ آیا اگر مردم عراق، به ویژه قشر آگاه آن، به موقع به عمل انقلابی روی می آوردند، سرنوشت امروزشان بهتر نمی بود؟ مطمئناً آنها قادر میشدند، از بخش اعظم فاجعه ای که بر سرشان نازل گشت، جلوگیری کنند.

در ایران امروز، یا انقلاب رادیکال- دموکراتیک کنونی، در مسیر قدرتگیری و پیروزی جریان می یابد، و یا کشور در سراسیمه نابودی قرار میگیرد؛ این تصویری به شدت زیانبار و یکسره ارتجاعی است، که گویا، راه سومی هم وجود دارد؛ مدافعین چنین افکاری، ۱۰۰ سال است که خود صلیب خود را، بر بالای تپه میکشند. آنها با این شیوه بدوی فکر و فعالیت سیاسی، زندگی چندین نسل از مردم ایران را تباه کرده اند.

هر دو روند انقلابی و نابودکننده، ممکن است، بسیار سریع تر از آنکه هر کسی فکر میکند، به لحظات بلوغ نزدیک شده، به ناگهان همه چیز را در خود بلعیده، جامعه را در آستانه یک تحول کور- که دیگر راه پس و پیش نخواهد داشت- قرار دهند. بهترین شاهد واقعی بودن چنین احتمالی- که اکثریت مردم جهان در دوره خود، آن را باور نداشتند- حمله ناگهانی ارتش عراق به کویت، تجاوز ارتشهای امپریالیستی به یوگوسلاوی، افغانستان و عراق، سپس حمله ارتش گرجستان به ابخازستان در شب افتتاح بازیهای بین المللی المپیک در پکن، دخالت فوری روسیه در این جنگ، و جدایی کامل دو منطقه نیمه مستقل از گرجستان بود. همه این حوادث سرنوشت ساز و مضر به حال زندگی دهها میلیون انسان، در شرایطی اتفاق افتادند، که شبه روشنفکران احمق، شاید و شکم سیر و فرصت طلب، و انبوه شاغلین صنعت عبارت پردازی، هنوز مشغول نشخوار کردن تحلیلهای "سبز"، غیرحساس ساختن و خواب کردن جامعه بودند*۱.

تحت سلطه باند تروریست و وحشی حاکم، سازمان اجتماعی کلاسیک بورژوازی جامعه ایران، سست گشته، به لحاظ سیاسی، فرهنگی و حقوقی، به محیطی نظیر عربستان دوره بدویت شباهت پیدا کرده است. این تحول غیرقابل تصور و هولناک، از طریق حمام خون دهه ۶۰، جنگ جنایتکارانه ۸ ساله، بی حقوق سازی مطلق مردم، به ویژه زنان، و سلطه افراطی یک رژیم مذهبی به وقوع پیوسته است. این وضعیت، موجب تضعیف پیوندهای ملی ایجاد شده از طریق انقلاب مشروطیت و جنبشهای انقلابی متعدد، شیوع بی تفاوتی سیاسی، و کم علاقه مردم به سرنوشت جامعه گردیده است.

اکثریت بزرگی از جمعیت کشور، به طور روزمره درگیر سرکوب سیاسی و تحقیر شخصی و فرهنگی، زندگی زیر خط فقر، عدم دریافت دستمزدها، سرگردانی، بیکاری و بیسوادی، ناامیدی و افسردگی، دروغ و ریاکاری و فریب خوردن، اعدام و قتل و عزاداری، تحمل زندان و رفت و آمد مداوم به مراکز قضایی، فحشاء و مواد مخدر، وقوع جرایم هولناک، راهی برای ارضاء نیازهای طبیعی انسانی، و تحمل فشار عصبی و بیماریهای روحی ناشی از شرایط جهانی حاکم هستند. به این وضعیت، راه های حل سیاسی قومی، جدایی طلبانه و گریز از مرکز را هم اضافه کنید. حقایق بالا، که هر روز و هر لحظه در مقابل چشمان همگان است، از عوامل تسریع کننده بروز تحولات سیاسی زیانبار، و چه بسا نابود کننده در کشور هستند. به همه این تبهکاریها اگر از طرف دیگر، تبلیغات

ضدانقلابی، ضدکمونیستی و بی‌اعتنایی به سرنوشت جامعه، توسط سلطنت‌طلبان و لیبرالها، طیف توده‌یی-اکثریتی، اصلاح‌طلبان، و ملی-اسلامی‌ها، طی دهه ۶۰ تاکنون را اضافه کنیم، از عمق فلاکت سیاسی جامعه و فقدان یک آلترناتیو پیشرو در ذهن انسانها، هر چه بیشتر مطلع خواهیم گشت. این دسته جات خیانتکار، شور و مبارزه و آرمانخواهی را در این جامعه دفن کردند، اما قادر به جایگزینی آن با هیچ پدیده انسانی و مثبتی نگشتند؛ از آنجا که جایگزین دیگری وجود نداشت، و آنها خود، نیروی چنین تغییراتی نبودند.

اوضاع توصیف شده در بالا، بدترین شرایط ممکن، برای ایران و هر کشوری، در جهان حاضر است. در چنین وضعیتی، هر چه مردم از دخالت فعال در اوضاع ترسیده، و تحت عنوان "عدم خشونت"، محافظه کارانه عمل کنند، توان جامعه در به سرانجام رساندن یک تحول انقلابی، به طور غیرقابل برگشتی تضعیف میگردد. این حالت، لبه تیز تاثیرگذاری جنبشهای اعتراضی را کند خواهد ساخت. بر زمینه چنین شرایطی، راه‌های حل ارتجاعی از هر نوعی و به ویژه از خارج، دست بالا را کسب کرده، سرنوشت مردم فرسوده و کشور درمانده را، در معرض بروز خطرات غیرقابل پیش‌بینی و جبران ناپذیری، قرار خواهد داد.

توضیحات

* ۱- یکی از هنرمندان "مشهور" یوگوسلاوی، در دهه ۹۰ طی مصاحبه‌ای با یک مجله آلمانی ادعا میکرد: غرب به یوگوسلاوی حمله نخواهد کرد، چون روسیه بلافاصله وارد جنگ خواهد شد. دلیل این اقدام روسیه هم این است که مردم یوگوسلاوی و روسیه، هر دو از نژاد اسلاو هستند! او همچنین ادعا میکرد: یوگوسلاوی خیلی مهم است. از آنجا که یک حادثه ترور در آن در اوائل قرن بیستم، باعث شروع جنگ جهانی اول شد و اگر اینبار به این کشور حمله شود، این باعث بروز جنگ جهانی سوم میشود!! البته اکثریت روشنفکران ایرانی، اگر پرت‌تر از او نباشند، بهتر از او نیستند.

در حالیکه نیروهای آمریکایی حتی فرودگاه بین‌المللی بغداد را تصرف کرده، در حال پیشروی به سوی مرکز شهر بودند، وزیر تبلیغات رژیم صدام حسین در مقابل دوربینهای تلویزیونی ایستاده، آن را تبلیغات دروغ معرفی کرده، خبر از خودکشی‌های گروهی سربازان آمریکایی، و پیروزی قریب الوقوع ارتش عراق میداد! جامعه ایران، نباید تا به این درجه بی‌اطلاعی و خودفریبی از اوضاع حساس داخلی و خارجی کشانده شود؛ در حالیکه، اکثریت قریب به اتفاق جریانات ضدانقلابی و ضدکمونیست در داخل و خارج، با شدت و حدت بیسابقه‌ای، به همین فعالیت روی آورده، مردم را از توسل، حتا از فکر کردن به راه حل مستقل و انقلابی بازداشته، به امید کسب مقام و موقعیتی در "دولت امید" آینده خود، به "سبز" کردن مبارزات مردم مشغول هستند.

آرشیو www.j-shoraii.blogspot.com www.j-shoraie.blogspot.com

pouyane50@yahoo.de www.radikaldemokratik.blogspot.com